

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی؛ دستگرد قم در قاب نماهنگ‌های ویدئویی و تصویری مصطفی جعفرزاده دستجردی^۱

چکیده

کلام منظوم یکی از کوتاه‌ترین و رساترین گونه‌های زبان ادبی است که بسیاری از مفاهیم را به شکلی جذاب به مخاطب منتقل می‌کند. بازگویی ادبیات شفاهی و آیین‌های مردمی از طریق شعر، تاکنون از سوی برخی شعرا طبع آزمایی شده است که هدف اکثر آنها به کارگیری لغات مهجور و قدیمی و زنده نگاه داشتن این واژه‌ها و اصطلاحات بوده است.

منظومه فرهنگ مردم دستگرد، با نام مصطلح «تقیه یادت می‌اد؟»، گذری و نظری بر آداب و رسوم روستای دستگرد کهک قم است. این منظومه ۲۲۹ بیت دارد که در این مجال ۶۹ بیت از آن انتخاب و با مختصر توضیحاتی ارائه می‌شود. این منظومه، به گونه‌ای، به استقبال «قصیده‌های قمی»، سروده عباس

۱. مصطفی جعفرزاده دستجردی بازنشسته آموزش و پرورش قم، یکی از شاعران و فرهنگیان کوشای واحد فرهنگ مردم است که از فرهنگ مردم روستای دستگرد از بخش کهک استان قم را سال ۱۳۵۳ تاکنون جمع‌آوری و برای واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات ارسال کرده‌اند. همزمان با آن از سال ۱۳۷۱ با برنامه فرهنگ مردم رادیو سراسری نیز همکاری خود را آغاز کردند و چندین مرتبه به عنوان فرهنگیار برتر، برگزیده شدند.

فرساد رفته است و هدف آن، جز به کارگیری واژگان اصیل و از یاد رفته قمی، مروری بر آیین‌ها و رسوم و ظرایف فرهنگ عامه مردم دستگرد قم است. نماهنگ‌های ویدئویی و تصویری، از قالب‌های کوتاه و موجزی هستند که با کمک تصویر، حس و حال موسیقی را بیان می‌کنند. به نظر می‌رسد خوانش صحیح اشعار محلی، به دلیل حس نوستالژی و خاطره‌انگیز بودن آنها، از قابلیت تصویری بسیار بالایی برخوردار است و از آنجا که خاطرات گذشته آدمیان، مملو از تصاویری است که با آداب و رسوم پیوند خورده است، از این رو بستر مناسبی برای به کارگیری در قالب نماهنگ‌های ویدئویی و تصویری به‌شمار می‌روند.

تقیه^۱ راسشو بوگو بچیگیامون یادته؟

توی دسگرد که بودیم زندگیامون یادته؟

taqiye rāšešo bugu bačegiyâmun yadte, tuye dasgerd ke budim zedegiyâmun yâdte?

تقی راستش را بگو بچیگی‌هایمان یادت هست. در روستای دستگرد که

بودیم زندگی‌هایمان یادت هست؟

دهمون چن تا محل داش، تو اونا چن خونوار

ا دم دربوزه تا راس تون حمون یادته؟

dehemun čan tâ mahal dâš, tu unâ čan xunevâr, a dama darbuze tâ râs tune hamun yâdte?

ده ما چند تا محل داشت و در آنها چند خانوار. از جلوی دروازه تا مقابل

آتشخانه حمام یادت هست؟

۱. نام تقی، به عنوان یک دوست همسن و قدیمی و یادآور خاطرات گذشته زندگی در روستای دستگرد، مورد استفاده قرار گرفته است.

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۶۱

مله مل ابرایمی، کبلا جاقا، آق جوینا

کوچه مل کریمی، پقلعه، دم تون^۱ یادته

malle mol ebrayimi, kablâjâqâ, âqjuyinâ, kuçe moll karimi, pâqal?e
dametun yâdte

محلہ ملا ابرایمی، کربلا حاجی آقا و آقاجونی‌ها. کوچه ملّا کریمی، پقلعه

و نزدیک و اطراف حمام یادت هست؟

آسیاب و عصاری، چار سفّه ملّباسی

تخ‌کشی اوسلی، خد گیوه‌ها سینجون^۲ یادته؟

âsiyâb o assâri, çâr soffe molabbâsi, taxkaši ussali xod givehâ sinjun
yâdte?

آسیاب و عصاری و چهار سفّه ملّا عبّاسی. تخت‌کشی استادعلی و گیوه‌های

سنجانی یادت هست؟

خونه‌هامون یه اتاق داش وسطش تندوری بو

گل گوشاش دیلابچه و پسینه و سولدون^۳ یادته

xunehâmun ye otâq dâš vasateš tanduri bu, gal gušâš dilâbča o pasina
o suldun yâdte

خانه‌هایمان یک اتاق داشت میان اتاق تنور بود. کنار گوشه‌ها هم دولاب و

حفره نگهداری مواد خوراکی یادت هست؟

۱. دم به معنای نزدیک و کنار

۲. نوعی گیوه سبک و چابک مخصوص پیاده‌روی که به نام سنجان اراک شهرت داشت.

۳. خانه‌هایی که معمولاً یک اتاق داشتند و در قسمت میانی آنها یک چاله تنور برای پخت نان در مواقع ضروری بود و در زمستان‌ها روی آنها کرسی قرار می‌دادند و کنار گوشه این اتاق‌های تکی، سوراخ و حفره‌هایی از قبیل دیلاب (dilâb)، پسینه (pasineh)، سولدون (suldun) برای نگهداری غلات و مواد خوراکی و مایحتاج دیگر زندگی تعبیه شده بود و اطراف بیرون این اتاق‌ها هم مکان‌هایی برای دام، حشم، مرغ و خروس بود.

در حیاط در بلا می‌گفدن اون عد قدیم

واز و بس می‌کردن ا سولخه کلندون یادته؟

dar hayât o darbelâ migofdan un ?ade qedim, vaz o bas mikardan a sulxe kalandun xâdte?

در حیاط را در بلا می‌گفتند در آن عهد قدیم، باز و بسته می‌کردند آن را از

محل سوراخ کلندون یادت هست؟

چفد و بس نداش دراشون مٹ یه پار دهننا

صب تا شوم وا بو برا برو بیامون یادته؟

čefd o bas nadâš darâšun mese ye pârdahanâ, sob tâ šum vâ bu barâ boro biyâmun yâdte

قفل و بست نداشت درهای آنها مانند بعضی دهان‌ها، صبح تا شب باز بود

برای برو بیا (آمد و رفت) یادت هست؟

اون روزا مٹ حالا یخچالو فیلزر که نبو

آب می‌ریخدن تو کوزه گوشد رو قفون^۱ یادته؟

un ruzâ mese hâlâ yaxçal o filzer ke nabu, âb mirixdan tu kuze gušd o ru qafun yâdte

آن روزها مانند حالا یخچال و فریزر نبود، که آب را داخل کوزه و گوشت

را روی قفان می‌گذاشتند یادت هست؟

ظرفامون تیمچه بود و کاسلیکو و بادیه مسی

تاغار و خمبه و دولکینه و نوندون یادته

zarfâmun timče bud o kâsaliko bâdye mesi, tâqâr o xombe o dulkine o nundun yâdte

۱. وسیله‌ای چوبی بود که گوشت مصرفی چند روزه روی آن قرار می‌گرفت و به سقف ایوان خانه برای نگهداری آویزان می‌شد.

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۶۳

ظرف هایمون تیمچه بود و کاسلکی و بادیه مسی، تغار و خمره و دولکینه و نان دانی یادت هست؟

هشبول و الکو غلبیلو کفگیر ملقه

قاشق و گوشکوف چوغی با کمجدون^۱ یادته؟

hošbulâ o alako qalbilu kafgir maloqa, qâšoq o guškufe çuqi bâ komojdun yâdte

آبکش و الک و غربال کفگیر و ملاقه، قاشق و گوشکوب چوبی با ظرف کماجدان یادت هست؟

قلقلی ریزه و شامی کوفده با نخد بیجه

یخنی عدس یا یتیمچه با بادنجون یادته؟

qelqelirize o šâmi kufde bâ noxod bija, yaxni adas yâ yatimče bâ bâdenjun yâdte

کوفته ریز و شامی با گوشت کوبیده و نخود نامرغوب بار کرده گوشت با عدس و بادنجان آب پز یادت هست؟

گا می ریخدیم تو کاسه چنت ملقه آتش اماج

لی می کردیم وسطش دت نون تفتون یادته؟

gâ mirixdim tu kâse çante maloqeâš omâj, le mikardim vasateš dot nune taftun yadte

گاهی می ریختیم داخل کاسه چند ملاقه آتش اماج و داخل آن، دو عدد نان ضخیم خرد می کردیم یادت هست؟

۱. ظروفی از جنس مس و روی و سفال که عبارت بودند از: تیمچه بدون درب مسی برای پخت غذاهای آبکی، کاسه لکی گلی برای کشک و ماست و لبنیات، بادیه مسی برای گرم کردن شیر استفاده می کردند.

همچنین آبکش مسی، الک، غربال، کفگیر، ملاقه، قاشق و گوشکوب چوبی با ظرف کماجدون مسی برای پخت انواع غذاهای گرم که همه اینها اسباب و اثاثیه آشپزخانه را تشکیل می دادند.

توت خشک و بلگه و قووتو گندم شادونه

خوراک شب‌چره بو شبا زمسون یادته؟

tute xošk o balge o qovut o gandom šâdune, xorâke šab čare bu šabâ zemessun yâdte

توت خشک شده و برگه قیصی و قاوت گندم شاه‌دانه خوراک شب‌چره

در شب‌های زمستان بود، یادت هست؟

موقه عیدم که می‌شد هفش تا خرما زاهدی

خد یه چنگ شکرپنیر جنج مال مهمون یادته؟

moqe ?eydom ke mišod hafaš tâ xormâ zâhedi, xod ye čang šekarpanir jax mâle mehmun yâdte

هنگام (موقع) عید هم که می‌شد هفت هشت عدد خرما زاهدی همراه با

مقداری نقل شکر پنیر تازه برای مهمان، یادت هست؟

قوچو^۱ روش آب نمخوردیم تا یه وخ بس نکنیم

نمخوردیم همساخ سنجید خد نون یادته؟

qučo ruš âb namxordim tâ ye vax bas nakonim, namxordim hamsâx senjido xod nun yâdte

قوچ را روی آن آب نمی‌خوردیم تا یک وقت بست نکنیم. همینطور سنجید

را همراه نان نمی‌خوردیم، یادت هست؟

می‌گفدن اگ بوخورید سنجید نون جو می‌گیرید

علیه خورد و نداش چن وخ سیرامون یادته؟

۱. میوه‌ای جنگلی در رودخانه‌های اطراف به رنگ و اندازه آلبالو و با طعم و مزه زالزالک که نارس آن دهان را هم می‌کشد و رسیده آن هم چسبنده است. زیاده‌روی در خوردن آن موجب نفخ شکم و دل‌درد می‌شود و با آب سازگاری ندارد.

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۶۵

migofdan ag boxorid senjid o nun jo migirid, aliye xord o nadâš čan
vax sirâmun yâdte

می گفتند اگر سنجد و نان را با همدیگر بخورید مرض جوغ می گیرید. علی
خورد و چند وقت شکمش سیر نمی شد، یادت هست؟
باباهامون یه قبا داشتنو خد کل نمدی

کرباسا چارخونه بو سر ننه هامون یادته؟

bâbâhâmun ye qabâ dâšdano xod kol namadi, karbâsâ čâxune bu sare
nanehâmun yâdte

باباهایمان یک قبا داشتند و یک کلاه نمدی. کرباس های چهارخانه سر
مادران مان بود، یادت هست؟

نزیکا عید میومه زن سد سن تو خونمون

پینه مینداخ همه رخد جلو جامون یادته؟

nazikâ ?eyd miyome zan sedo sen tu xunamun, pino mindâx hame
raxdo jolojâmun yâddte

نزدیک عید که می رسید زن سید حسین می آمد خانه مان و همه رختخواب
و لباسمان را وصله می کرد، یادت هست؟

کلا و الجکو شالم که مال و خرجی نداش مطالعات فرهنگی
می ریشدن پله می چیدن باباهامون یادته؟^۱

۱. سخن از پوشاک و البسه قدیم در میان است. و مقایسه آن با پوشاکی که امروز مد شده است. پوشاک قدیم مردها معمولاً یک قبای بلند و کلاه نمدی بود و خانمها چادرهای کرباسی طرح چهارخانه به سر می کردند و نزدیک عید که می شد زن مرحوم سید حسین معروف به زن آقا که در کار دوخت و دوز مهارت داشت، با دعوت مردم، به خانه هایشان می رفت و رختخوابها و لباس های مناسب آنها را اگر لازم بود وصله و پینه می زد. پوشاکی از قبیل الجک (aljak دستکش) و شال هم که پوشاک زمستانی بودند و هزینه چندانی نداشتند. خود مردم به وسیله نخ تهیه و رشته شده از پشم گوسفند آنها را با استفاده از تعدادی میل فلزی، یا اگر نبود، میل چوبی می بافتند و اغلب زنان و مردان

kolâ o aljako šâlom ke mâl o xarji nadâš, mirišdan palla mičidan
bâbâhâmun yâdte

کلاه و دستکش هم که مال و خرجی نداشت، پدرانمان پشم به وسیله پله
می‌ریسیدند و می‌بافتند، یادت هست؟

پری و خ چش می‌مالوندیم تا بشه یه عروسی

صبیاتی همو جم شیم جلو حمون یادته؟

pori vax čaš mimâlundim tâ beše ye arusi, sobbiyâti hamue jam čim
jelo hamun yâdte

کلی وقت چشم انتظار بودیم تا یک عروسی بشود. صبح زود همه جمع
شویم مقابل حمام یادت هست؟

عمسنه ساز میزه تو سرنا و کیف حلبی

لوطی قمبر ادا در می‌که تو سردخون یادته؟

amosena sâz miza tu sornâ o qif halabi, luti qambar adâ dar mike tu
sardxun yâdte

عمو حسین ساز می‌زد با سرنا و کیف حلبی، و مطرب (قمبر) داخل
سردخون حمام بازی درمی‌آورد یادت هست؟

کوچه گردش می‌دادن دواماد خد ساقدوشاشو
همگی تخ میزدن در خونه‌هاشون یادته؟

kuče gardeš midâdan dumâd o xod sâqdušaš o hamegi tax mizadan
dar xunehâšun yâdte

در کوچه داماد و ساقدوش‌هایش را گردش می‌دادند، همه مردم جلوی در
خانه‌های خود تخت می‌زدند، یادت هست؟

حتی جوانان این هنر را از بزرگان خود آموخته بودند و در طول فصل زمستان، کار اوقات فراغتشان
بافتن پوشاک گرم از قبیل دستکش، شال، جوراب و کلاه بود.

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۶۷

فرشو قالچه همه جا شیت بورو تخد کرسیا

سمور و قوری و سینی و اسفندون یادته؟

farš o qâliče hame jâ šit buru taxd o korsiyâ, sam rar o quri o sini o
esfundun yâdte

فرش و قالیچه همه جا گسترده می شد و روی تخت و کرسی ها سماور و

قوری و سینی و اسفند بود، یادت هست؟

هر کی چن جور خوراکی رو تخت در خونش می داش

شربتو میوه و آب بلگه با ناردون یادته؟

har ki čan jur xorâki ru taxte dar xunaš mizâš, šarbat o mive o âb
balge bâ nârdun yâdte

هر کسی چند نوع خوراکی روی تخت در خانه اش می گذاشت. شربت،

میوه، آب بلگه با دانه انار، یادت هست؟

عم غولوم سلمونی هی می پرید بالا پین

وور و وور جار می کشید آی خونت اودون یادته؟

am qulum salmuni hey miparid bâlâ pin, voro vor jâr mikošid ây
xunat odun yâdte

عمو غلام سلمانی مرتب بالا و پایین می پرید. تند تند جار می زد: آهای

خانه ات آبادان، یادت هست؟

باس خاطر دشیا که سر دوماد ریخته می شد

می رافیدیم رو خاکا با چنگو پالمون یادته؟

bâs xâter dašoyâ ke sar dumâd rixde mišod, mirâfidim ru xâkâ bâ
čango pâlmun yâdte

به خاطر سکه ده شاهی که بر سر داماد ریخته می شد، سینه خیز می رفتیم

روی خاک ها و چنگ می زدیم روی آنها، یادت هست؟

اوس قولى بساتشو شیت میکه رو تختونچه چنار

سیخو میخو سه پیه چکشو سندون یادته؟

us qoli basâteš o šit mike ru taxtunče čenâr, six o mix o čakoš o sendun yâdte

استاد قلی آهنگر ابزار و وسایلیش را پهن می کرد روی تخت چنار؛ سیخ و

میخ سه پایه و چکش و سندون، یادت هست؟

بیلو دسغاله، کلنگو قشکنن چفد زره

هوره و منقلو ساجو خذ ذغالدون یادته؟

bil o dasqâle, kolang o qanšekân o čefd o zere, hure o manqalo sâj o xoz zoqâldon yâdte

بیل و داس، کلنگ، قندشکن، چفت و بست درب، هوره و منقل و ساج و

ظرف ذغالدونی یادت هست؟

تقیه بازیای قدیم مونو یادت میاد؟

تخته زاری، لب یخچال و تو میدون یادته؟

taqye bâziyâye qadim muno yâdt miyâd, taxte zâri labe yaxçal o tu meydun yâdte

تقی، بازیهای قدیم را یادت می آید. (محل) تخته زاری و لب یخچال و

داخل میدانها یادت هست؟

بازی غلیون بیارک، مره بازی، الغماچوغ

آلا داد، اتک متک، دور چاله گردون یادته؟

bazi qalyun biyârak, merre bâzi, aloqmâçuq, allâ dâd, atak matak, dor çâle gardun yâdte

بازی، غلیون بیارک، توپ مره، الک دولک، آلا داد، اتک متک، دور چاله

گردان، یادت هست؟

خربوزه گردکو درنه به خطوها گنگله

با طناف اهو می بسیم گل ونبون یادته؟

xarboze gerdak o dorne be xatohâ gengele, bâ tanâf oho mibasim
gale vanbun yâdte

خربزه گردک، درنه به خط، هاگنگل با طناب تاب می بستیم به شاخه

درخت ونبون، یادت هست؟

دلآخرپشتک و هف سنگو بازی حاجمبرات

بازی سنگ آبده رو آب سلخ چرسون یادته؟

dollâ xar poštak o haf sang o bâzi hâjambarât, bâzi sang âbde ru âb
selxe čerassun yâdte

خمیده خرپشتک، هفت سنگ، بازی حاجمبرات، بازی سنگ آب استخر

چنارستان یادت هست؟

دگدگه بازی باریگ هم کفی بو هم چکشی

پنبه‌ای و آتشی سلیو وشگون یادته؟

dagdage bâzi bârig ham kafi bu ham čakoši, panbeyi o âteši selliyi
vešgun yâdte

دگدگه بازی به وسیله ریگ هم کفی و هم چکشی بود پنبه‌ای و آتشی

سلی و ونگوش یادت هست؟

تف تو ضربش می زدی تو ناقلا سرد و قلش

مش پر و غلبیلکو بشکونو نشکون یادته؟

tof tu zarbeš mizadi to nâqolâ sard o qoleš, moš por o qalbilak o
beškuno naškun yâdte

تو زرنگ و زیرک بودی و طرف را می سوزاندی، مرحله مشت پر و

غبولک و بشکن و نشکن یادت هست؟

تو الغ ماچوغ و توپ مره ما همپشکی بودیم

تو اقص بل می دادی می رفدی بیرون یادته؟

tu aloq mâçuq o tup marre mâ hampeški budim, to aqas bol midâdi
mirafdi birun yâdte

در بازی الک دولک و توپ مره من و تو همیار بودیم تا از روی قصد توپ

و الک را بل می دادی از بازی خارج می شدی، یادت هست؟

تيله بازی با مره وجهای بود و چاله‌ای

موقه آنچه هام می کردیم آنچه سرون یادته؟

tile bâzi bâ more vejjeji bud o çâleyi, moqe âlçe ham mikardim âlçe
sorrun yâdte

تيله بازی به وسیله مهره به شکل وجبی و چاله‌ای بود، موقع آنچه‌ها هم

بازی آنچه سرون می کردیم یادت هست؟

قدیما بادکنکو توپه پلاستیک که نبو

باد می کردیم تو سولاخ روده و چردون یادته؟

qadimâ bâdkonako tupe pelâstik ke nabu, bâd mikardim tu sulâx rude
o çordun yâdte

قدیم‌ها بادکنک و توپ‌های پلاستیکی که نبود باد داخل سوراخ روده و

زهره‌دان گوسفند می کردیم، یادت هست؟

قوزقوزک بو که می گفدن آب قناتا کم می شه

یه لیشکه چيله بودو دو وجه رسمون یادته؟

quzquzak bu ke migofdan âb qanâtâ kam miše, ye liška čile budo do
vajje resmun yâdte

قوزقوزک بازی بود که می گفتند آب قنات‌ها کم می شود، یک تکه چوب

بود و دو وجه ریسمان یادت هست؟

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۷۱

تو زمستون زیر کرسی جا ما بود کل دمینه

کله بالا بغل بو مال بزرگون یادته؟^۱

tu zemessun zire korsi jâ mâ bu kol damine, kole bâlâ o baqal bu mâle bozorgun yâdte

در زمستان زیر کرسی جای ما پایین کرسی بود، و بالا برای بزرگ‌ترها بود

یادت هست؟

کجی رف رسمو روسومای شبا ما مبارکی؟

قرائت سیاره داشدیم ما رمیضون یادته؟

koji raf rasm o rosumâye šabâ mâ mobâraki, qarâ?at seyyâre dâšdim mâ ramizun yâdte

کجا رفت رسم و رسوم شب‌های ماه مبارک رمضان؟ قرائت قرآن دوره‌ای

داشتیم ماه رمضان یادت هست؟

شبا احیا همگی می‌نشستیم اشوم تا سحر

به عبادتو دعا با چشم‌ها گریون یادته؟

šabâ ahyâ hamgi mešessim a šum tâ sahar, be ebâdat o dâ?â bâ čašmâ geryun yâdte

شب‌های احیا (قدر) همه می‌نشستیم از شب تا سحر به عبادت و دعا با

چشم‌های گریان یادت هست؟

شب پونزهم که می‌شد سر شب بر بچه‌ها

بیله بیله می‌شدن اهی اهی خون یادته؟

۱. در فصل زمستان که کرسی برقرار بود، هر طرف کرسی را که یک یا چند نفر می‌نشستند، کله (koleh) می‌گفتند و طرف پایین سمت درب اتاق هم کل دمینه (koldamine) نام داشت که جای بچه‌های کوچک بود و بزرگ خانواده (پدر و مادر) سمت بالا می‌نشستند و در دو طرف دیگر خواهران و برادران بزرگ‌تر که آنها را کله بغل می‌گفتند.

šabe punzahom ke mišod sare šab bar bačehâ, beyle beyle mišodan
ohoy ohoyxun yâdte

شب پانزدهم که می‌شد اول شب بچه و نوجوان‌ها دسته دسته اهی
اهی خوانی می‌کردند، یادت هست؟

من و تو تو دسه‌ی محمود زرخانوم بودیم

ا جا پول آجیل می‌ریخ به کیله سمون یادته؟

man o to tu dasseye mahmude zar xânum budim a jâ pul âjil mirix ye
kile sammun yâdte

من و تو جز دسته و گروه محمود زهرا خانم بودیم. آنها را خانم آبجی
حسن جان می‌دوخت به همدیگر، یادت هست؟

روزه ما بچ کوچیکا تا کله ظر گنجیشی بو

اونار آبجی حسنجون میدوخ به همشون یادته؟

ruze mâ bač kučikâ tâ kale zor gonjiši bu, unâre âbji hosnejun midux
be hamšun yâdte

روزه مات بچه کوچولوها تا سر ظهر کله گنجشکی بود، آن روزها را آبجی
حسن جان به همدیگر می‌دوخت یادت هست؟

سی تا شو می‌دوخ به هم پونز تا راستکی می‌شد

ملائکا می‌نوشتن به حسابمون یادته؟

si tâ šo midux be ham punza tâ râssaki mišod, malâ?ekâ minevešdan
be hesâbmun yâdte

سی تا روزه گنجشکی را می‌دوخت پانزده تا واقعی می‌شد. ملائکه‌ها
می‌نوشتن آنها را به حساب ما یادت هست؟

آتقی محرّمای قدیمو به یاد داری؟

دیه اول که می‌شد حسینهمون یادته؟

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۷۳

âtaqi moharramâye qadimo be yâd dâri, deyye avval ke mišod
hoseyniamun yâdte

آق تقی، محرم‌های قدیم را به یاد داری. دهه اول ماه که می‌شد حسین‌مان
را یادت هست

آکلا قوتای نخلو سپر سنج و دهل

اینه و شمایلو شیفور و مزقون یادته

akalâ qutâye naxl o separ o senj o dohol, oyne šamâyel o šeyfur o
mezqun yâdte

از کلاهخودهای نخل و سپر و سنج و دهل، آینه و شمایل و شیپور و
مزقان یادت هست؟

به خادم بابا می‌گفدن که سه چارپنش تا بودن

بابا من، کبلاجاقا، کبللی قربون یادته؟

be xâdem bâbâ migofdan ke se çâr panš tâ budan, bâbâ man
kablâjâqâ, kablali qorbun yâdte

به خادم تکیه، بابا می‌گفتند که سه چهار و پنج نفر بودند پدر من و کربلا
حاجی آقا و کربلا علی قربان، یادت هست؟

شب تاسوعا شب عباسعلی بو قدیما

نونو ماسو حلوا می‌داد خاله سلطون یادته؟^۱

۱. تکیه‌ای که به سبک معماری قدیم دارای چهار حجره در چهار ضلع اطراف بود که مردها به تناسب شخصیت خود در آنها می‌نشستند و بر روی حجره‌ها دور تا دور تکیه غرفه‌های لبه‌دار مخصوص خانم‌ها بود و در قسمت‌هایی از جداره‌های دیوارهای اطراف و بین حجره‌ها مکان‌هایی بود به عنوان انباری و چایخانه و محل نگهداری نخل و علامات دیگر و داخل انباری مخصوص، صندوق چوبی بزرگی بود که وسایل مربوط به آذین‌بندان نخل و علامات دیگر مانند چند کلاهخود، آینه، شمایل، طبل و دهل و سنج شیپور و چند تکه پارچه مخصوص نخل در آن صندوق قرار داشت. در آن زمان به خادم‌های تکیه، بابای تکیه می‌گفتند که چهار - پنج نفر بودند؛ مانند کربلابی حاجی آقا، کربلابی علی قربون و ...

šabe tâsu?â šabe abbâsali bu qadimâ, nun o mâs o halvâ midâd xâle
soltun yâdte

شب تاسوعا به شب عباسعلی معروف بود. قدیما نان و ماست و حلوا
می داد خاله سلطان به همه، یادت هست؟

ننه‌ها بزرگ می‌کردن بچه‌هاشونو چه جور

با هزار سخدی و غصّه و یراقون یادته؟

nane hâ bozorg mikardan bačehâšun o če jur, bâ hezâr saxdi o qosse
o yarâqun yâdte

مادرها بزرگ می‌کردند بچه‌هایشان را با هزار سختی و غصّه و یرقان، یادت
هست؟

می‌دادن ترنجبینو شیر و خد حرّه بادوم

شیرخش و بیدخش و آب باس رو دلاشون یادته؟

عمو غلامعلی، هم بابای تکیه بود و هم نوحه‌خوانی می‌کرد و شعرهای دفترهایش را از حفظ بود. نام پدرش هم قربان بود. در قدیم اغلب اشخاص به نام پدرشان معروف بودند. مرحوم فتح اله جعفرزاده دستجردی، پس از پدرش مرحوم عباسعلی تا سال ۱۳۷۳ قدیمی‌ترین خادم و بابای تکیه بود و کار بستن نخل و علم منحصرأ به دست او انجام می‌شد.

روز هفتم محرم، نخل را آذین‌بندان می‌کردند و این کار را همان باباها انجام می‌دادند. در این روز خاله زهرا در دیگ بزرگی آتش رشته نذری پای نخل می‌پخت و آن را بین مردم حاضر در تکیه و باباهای تکیه خیرات می‌کرد.

عصر روز نهم، توغ در خانه صاحبان آنها می‌بستند که سعادت خانم و عالیه خانم دو تن از صاحبان توغ و معماری بودند. پدر من به عنوان پیرترین بابای تکیه در کار بستن نخل، استاد شده بود و صد نوع وسیله و پارچه به نخل می‌بست که همه با نظم و ترتیب بودند.

در آن زمان، غیر از نخل فعلی، علاماتی مثل کتل kotal دُغْدُغّه و شِیّه همراه نخل می‌رفت و تا بالای کوه تپه سفید مردم عزادار فریاد یاحسین می‌کشیدند. در شب تاسوعا که به شب عباسعلی معروف بود، خانمی به نام خاله سلطان طبق نذری که از قدیم داشت، نان و ماست و حلوا بین زنان داخل غرفه‌ها خیرات می‌کرد.

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۷۵

midâdan taranjabin šir o xod harre o bâdum, širxeš o bidxeš o âb bâs
ru delâšun yâdte

می دادند به آنها ترنجبین و شیر و حریره بادام، شیرخشت و بیدخشت و
آب برای رفع نفخ شکم آنها، یادت هست؟
اگ جون سالم به در می برد و عمرش باقی بو
دس دسی و سرسری آخونو واخون یادته؟

ag jun sâlem bedar mibord o omreš bâqi bu, dasdasi o sar sari âxuno
vâxun yâdte

اگر جان سالم به در می برد و عمر بچه باقی بود، بازی دست دستی و
سرسری و آخون واخون یادت هست؟
دو سال آزیگار توقندا قونو تا بل می رف
تاتیش و ماتیش می کردن روپاهشون یادته؟

do sale âzigâr tu qondâq o nanu tâ bol miraf, tâtiš o mâtiš mikardan
ru pâhâšun yâdte

دو سال تمام داخل قنداق و گهواره تا روی دست و پا راه می رفت تاتیشی
و ماتیشی روی پاهایشان حرکت می کردند، یادت هست؟
با ذغال سیا می کردند پیشونیشو و لپاشو و مطالعات فریبشی
تا نظر بش نزنن نظر به دلشون یادته؟

bâ zoqâl siyâ mikardan pišunišo lopâšo, tâ nazar beš nazanan nazar
be delšun yâdte

به وسیله ذغال پیشانی و صورت او را سیاه می کردند تا چشم و نظر نزنند،
نظر به دل های خودشان بخورد، یادت هست؟

اتل متل اگنجیشه و خال پینه دوزه

یا همون شرالسون و ولسون یادته؟

atalmatal o agonjiše o xâlpine duz, yâ hamun šere allesun o vallesun yâdte

اتل و متل از گنجشکه و کفشدوزک می خواندند یا همان شعر و مثل السون

و ولسون ... یادت هست؟

یادته رسم مرگ و میرامون قدیما چی چی بو؟

مرده ر که خاک می کردن تو قبرسون یادته؟

yâdte rasme marg o mirâmun qadimâ čiçi bu, morde ro ke xâk mikardan tu qabressun yâdte

یادت هست رسم مرگ و میر قدیم چگونه بود، مرده را که خاک می کردند

داخل قبرستان یادت هست؟

سه شب تمون می شسن قاریا دور پر قبر

می خوندن سی جز قرآنو الرّحمن یادته؟

se šabe tamun mišessan qâriyâ dor pare qabr, mixundan si joze qor?ân o arrahmun yâdte

سه شب تمام قاریان اطراف قبر می نشستند و قرآن می خواندند سی جز

قرآن و سوره الرحمن را یادت هست؟

یه چراغ بغدادیم میذاشدن هف شب رو خاکا

که گورکنه نکشه مرده ر بیرون یادته؟

ye čerâq baqdâdiyam mizâšdan haf šab ru xâkâ, ke gurkane nakeše mordaro birun yâdte

یک چراغ فانونس هم می گذاشتند هفت شب روی خاک قبر که کفتار،

مرده از قبر بیرون نکشد، یادت هست؟

تصویرسازی سبک زندگی به روایت اشعار محلی ❖ ۲۷۷

مرده شورت بزبن رو سنگ جوغ لوسلا

پنبه تو روت بمانن تو مردشورخون یادته؟

mordešuret bezanan ru sange juq loselâ, panbe tu rut bemâlan tu
mordešurxun yâdte

مرده شور تو را بزبن روی سنگ چوب قنات پنبه به رویت بمانند داخل

مرده شورخانه یادت هست؟

نن مصوم چرخه می ریش دوکاشو گوندیله میکه

می گوروندی نخاشو تو بچه شیطون یادته

nan masum čarxe miriš dukâš o gondile mike, migurundi naxâš o to
bače šeytun yâdte

ننه معصومه چرخ ریزی می کرد و ماسوله‌ها را می پیچید آنها را از هم جدا

می کردی تو بچه شیطان یادت هست؟

دوک وهرزی گردشو شکسته بودی با ماچوغ

هالاکوش گذاشته بودی روی دفتون یادته؟^۱

duk o harzi gardeš o šekasse budi bâ mâšûq, hâlâkušo gozâšte budi
ruye daftun yâdte

ماسوره و هرزه گرد او را شکسته بودی با چوب نخ کوب او را گذاشته

بودی روی دفتون کرباسبافی یادت هست؟

۱. اشاره به یک پیرزن قدیمی به نام ننه معصوم است که همیشه برای امرامعاش خودش چرخ ریزی می کرد و ما بچه‌ها دوک‌ها (ماسوله‌ها)ی او را که نخ پیچی شده بود، از هم جدا می کردیم یک بار که دوک و هرزه گرد کارش را به وسیله چوب الک دولک شکستیم. او از ترس ما و شیطنت و آزارهای ما، هلاکو (hallakoo) را روی دفتون (dafdun) کرباسبافی خود گذاشت که کنارش باشد و دست ما به آن نرسد گفتنی است هلاکو وسیله‌ای چوبی بود که در قدیم برای کوبیدن نخ و پارچه و گرفتن آب به کار می رفت. گاهی هم در کارهایی که نیاز به وارد کردن ضربه داشت، از آن استفاده می کردند؛ مثل جدا کردن دانه گندم و جو از خوشه و ساقه. اگر به مقدار کم بود و قابل خرمنگاه را نداشت، در خانه از این وسیله استفاده می شد.

تقیه با همه خفتاش خوشی اون روزگار

که نه درد داشدیمو نه به فکر درمون یادته؟

taqiye bâhame xefatâš xoši un ruzegâr, ke na dard dâšdimu na be
fekre darmun yâdte

تقی، با همه سختی‌ها خوشا آن روزگارا که نه درد داشتیم و نه به فکر

درمان بودیم، یادت هست؟

به همون اتاق گلی و سفره نونو کوزه آب

شکر می‌کردیم وخت و بی‌وخ ادل و جون یادته؟

be hamun otâq geli o sofre nuno kuze âb, šokr mikardim vaxti a delo
jun yâdte

به همان خانه گلی و یک سفره نان و کوزه آب، شکر خدا را می‌کردیم همه

وقت از دل و جان، یادت هست؟

چک و سفده حال شده فکر و خیال آدما

همیناس بعث سکنه و سلاطون یادته؟

ček o sofde hâl šode fekre o xiyâle âdamâ, haminâs bo?se sakte o
salâtun yâdte

چک و سفته حالا شده‌اند فکر و خیال آدم‌ها. همین‌ها هستند باعث سکنه

و سرطان، یادت هست؟

پرتال جامع علوم انسانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی